



تهیه و تنظیم:
مهندس اکبر شیرزاده

پژوهشی در سیر تکامل لباس ایرانیان در ادوار مختلف

مسافران هنگام عبور از تخت جمشید آن را نمی بینند مگر آن که کسی آنها را به وجود چنین نقشی به روی دیوار سنگی کنار پنجره کاخ متوجه سازد. سنگی که این نقش روی آن ظاهراً با نوک چاقو کنده‌اند بسیار صیقلی شده است و خطوط کنده شده آن به زحمت تمیز داده می‌شود؛ به همین دلیل تاکنون عکسبرداری از آن میسر نبوده است و در میان مسافران و تماشاگران تخت جمشید، کسی به فکر عکسبرداری از آن نیفتاده است. هرتسفلد که سال‌های متمادی در تخت جمشید به سر برده و تمام جزئیات آن را مطالعه کرده است؛ از این صورت نیز نقشی برداشته و در کتابی تحت عنوان *Iran in the Ancient East* در سال ۱۹۴۱ در لندن و نیویورک منتشر کرد. اهمیت این نقوش برای ما که از لباس ایرانیان در دوره‌های قدیم

از وقایع مهم تاریخی این عصر، تجزیه امپراتوری بزرگ روم به دو قسمت شرقی و غربی است که در سال ۳۹۵ میلادی اتفاق افتاد. از این تاریخ روم شرقی به‌عنوان بیزانس خوانده شد و پایتخت آن را قسطنطنیه قرار دادند و بخش غربی را روم غربی خواندند و مرکز آن شهر رم بود.

در سال ۶۴۲ بعد از میلاد، سلسله ساسانی به دست اعراب منقرض شد ولی هنر آنان از بین نرفت؛ حتی می‌توان گفت سرسلسله عباسیان از لباس ملت مغلوب تقلید می‌کرد به این ترتیب جامه‌های افسانه‌ای و خیال‌انگیز ساسانیان در هنر اسلامی نفوذ کرد و بسیار باارزش شد.

پادشاهان و قهرمانان افسانه‌ای ایران چون جمشید و رستم فراموش نشدند و در داستان هزار و یکشب، تأثیر لباس پادشاهان مانند بهرام گور و خسرو دوم کاملاً مشهود است. باید متذکر شد که جامه ساسانیان در مقایسه با پوشش‌های مصر و بین‌النهرین بسیار مجلل بوده است، شاید دامن‌های پرچین و پر نوار و خیال‌انگیز را بتوان به شیوه نقاشان نسبت داد اما نمی‌توان منکر تاج‌ها و کلاه‌های افسانه‌ای و مجلل پادشاهان ساسانی شد. تاج سلاطین مصر با وجودی که جالب توجه هستند اما در مقایسه با تاج‌های گوناگون شاهان ساسانی بسیار ساده و محدود به نظر می‌رسند.

در تصویر شماره ۲، یک قطعه پارچه ایرانی عهد ساسانی با نقش سوار در گنجینه شوسوئین مشاهده می‌شود که این پارچه شاید در خارج ایران بافته شده اما بافته آن را نمی‌توان یک صنعتگر غیر ایرانی دانست. به روی یکی از دیوارهای سنگی تخت جمشید نقشی وجود دارد که

تداوم سلسله ساسانی - دوران زمامداری جانشینان شاپور سوم

تصویر شماره یک، بهرام چهارم را نشان می‌دهد که ملبس به پارچه پشمی و سرآستین و یقه لباس تکه‌دوزی و مليله کاری شده است. در سال ۳۸۸ میلادی سلطنت به بهرام چهارم رسید. این پادشاه که برادر شاپور سوم بود، مانند اسلاف خود نسبت به مسیحیان روشی ارفاق آمیز در پیش گرفت و آنان را در اقامه مراسم مذهبی آزاد گذارد ولی چنانچه خواهیم دید مسیحیان از آزادی‌هایی که به آنان داده شده بود، سوءاستفاده کردند و نسبت به زرتشتی‌ها و معابد آنان روشی خشونت‌آمیز پیش گرفتند. به ناچار شاه بر اثر فشار روحانیون زرتشتی، تغییر سیاست داد و نسبت به مسیحیان وضعی جدی به خود گرفت. خسرو، پادشاه ارمنستان را که به امید کمک امپراتور روم از اطاعت او سربرار زده بود، مغلوب و در قلعه فراموشی (نزدیک شوشتر) محبوس کرد.

www.sekeha.com



تصویر شماره یک. بهرام چهارم



تصویر شماره ۲. قطعه پارچه ایرانی



تصویر شماره ۶. اعطای مقام شاهی

آفتاب قسمت بزرگی از آنها را خراب کرده است. در تصویر شماره ۶، اورمزد مقام شاهی را به وهرام (بهرام) اول اعطا می‌کند. در نقش برجسته دیگری در همین مجلس، اردشیر در مقابل اورمزد استاده و از او علامت سلطنت دریافت می‌کند. پسرش شاپور نیز در سمت چپ او ایستاده است. میان پادشاه و خداوند، دو کودک دیده می‌شوند. در این نقش نیز اردشیر با لباسی مجلل تصویر شده است اما به علت آسیب دیدگی سنگ، جزئیاتش معلوم نیست. به هر حال لباس او همان قبای بلند و شلوار فراخ است. از کلاه و کمر او روبان‌های بسیار بهنی آویزان است.

در تصویر شماره ۷، کتیبه تاج‌گذاری اردشیر دوم در طاق بستان دیده می‌شود. در تصویر شماره ۸، مجلس پیروزی شاپور اول بر والریانوس در نقش رستم مشاهده می‌شود. حمزه اصفهانی چنین نقل می‌کند «در کتاب صور ملوک بنی ساسان نوشته‌اند قبای اردشیر منقش، و شلوار آن آسمانی رنگ، تاج او سبز و در آن طلا نصب شده بود، در دست وی نیزه‌ای قرار داشت.»

از شاپور اول در نقش رجب، تصویر برجسته‌ای وجود دارد. در این نقش، شاپور و اورمزد هر دو سوار بر اسب هستند. لباس شاپور چین‌های فراوان دارد و بسیار فراخ است، شلوار او تا روی کفش می‌رسد و نوارهای سیمین



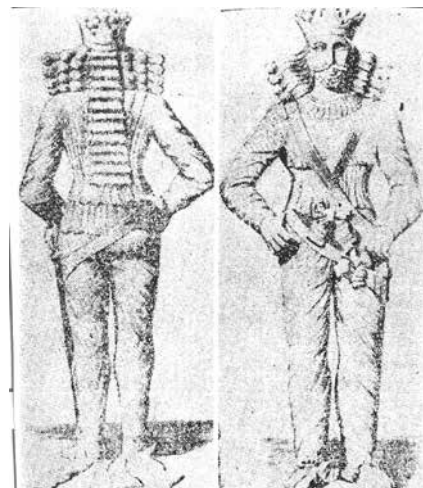
تصویر شماره ۷. تاج‌گذاری اردشیر دوم



تصویر شماره ۴. پاپک

است. این عکس را یکی از گردشگران فرانسوی، پیش از واژگون شده این مجسمه برداشته شده است. لباس پاپک شباهت بسیاری به لباس شاپور دارد. در این جا پیراهن بلندی زیر قبا دیده می‌شود که به وسیله کمربند زیبایی بر کمر بسته شده و قبایی که روی پیراهن پوشیده شده، بسیار زیباتر از قبای شاپور است. شالی به روی آن بسته شده ولی در قسمت فوقانی آن نواری وجود دارد.

از اردشیر اول دو نقش در فیروزآباد به یادگار مانده است. در یکی از آنها اولین پادشاه ساسانی با اردوان - آخرین پادشاه اشکانی مشغول نزاع است. هر دو پادشاه سوار بر اسب هستند و منظره نزاع آنان بی‌نهایت به منظره جنگجویان اروپا در قرون وسطی شباهت دارد. خود پادشاه نیز زره‌ای بلند بر تن دارد که تا زانو می‌رسد. متأسفانه این نقش برجسته سالم نمانده است و باران و



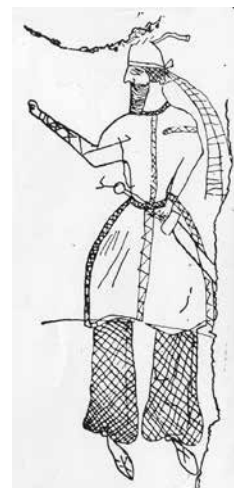
تصویر شماره ۵. مجسمه شاپور اول

صحبت می‌کنیم؛ این است که نقش قدیمی‌ترین لباسی را که در خانواده اردشیر و قطعاً در میان مردم آن زمان مرسوم بوده را نشان می‌دهد و چون این صورت‌ها در زمانی نقش بسته‌اند که هنوز خانواده بابک به سلطنت نرسیده بودند؛ لباس آنها را می‌توان نمونه‌ای از لباس معمول در میان خوانین آن زمان محسوب کرد.

در تصویر شماره ۳، شاپور بابکان برادر بزرگ‌تر اردشیر اول دیده می‌شود که طبق گفته هر تسفلد به روی دیوار سنگی کاخ هخامنشی در تخت جمشید نقش شده است. وی چندین ماه به عنوان ساتراپ در فارس حکومت کرده و هنگامی که در تخت جمشید مشغول گردش بوده در نتیجه افتادن سنگی از باقیمانده کاخ‌های قدیمی این محل کشته شده است.

شباهت این لباس به قبا‌های مورد استفاده روستاییان ایران نیازی به توضیح ندارد. شلوار او نیز مانند شلوار دهقانان ایران بسیار فراخ و بلند است و کلاهش مانند تصویر بعدی، شبیه کلاه‌های نم‌دی امروز نواحی مختلف فارس است. دو نواری که از کلاه شاپور آویزان است، نکته تازه‌ای نیست و در روی نقوش برجسته هخامنشی در تخت جمشید نیز دیده می‌شود. قبای او به وسیله شالی بر کمرش بسته شده است و کفش‌هایش شبیه گیوه‌های امروزی است.

در تصویر شماره ۴، پاپک در روی یکی از سنگ‌های کاخ هخامنشی در تخت جمشید دیده می‌شود. در تصویر شماره ۵، مجسمه شاپور اول در شاپور نزدیک کازرون در درون غاری از سنگ تراشیده شده مشاهده می‌شود که اکنون در اثر زلزله به زمین افتاده و شکسته



تصویر شماره ۳. شاپور برادر اردشیر



هخامنشی خوانده‌اند، علاوه بر آن که شکوه و عظمت و وسعت دیرین ایران را در دنباله کوشش‌های پانصد ساله سلاطین پارت به دست آوردند، در احیای دین قدیم ایران و آداب و رسوم ملی، بسط علوم، احداث شهرها و معابد، تأسیس دانشکده‌ها و مراکز علمی و دینی کوشیدند.»

در کتاب خلاصه العجائب نوشته شده «مردمان کلیه ممالک به برتری ایرانیان بر خویشتن معترف بودند. قانون مملکت‌داری، آیین بدیع در جنگ، هنرمندی در استعمال رنگ‌ها و آمیختن داروها، شیوه پوشش، نظام و اداره ولایات، مواظبت در نهادن هر چیزی به جای خویش، انشاء رسائل و مقالات، تیزهوشی، پاک‌ی و پاکیزگی، درستی و راستی، احترام و تکریم شاهان، این همه در میان ایشان به نهایت کمال و مایه اعجاب و تحسین دیگران بود، تواریخ آنان برای هر کس که پس از ایشان بخواهد جهان‌داری کند، دستور و پیشوای خوبی خواهد بود.»

به هر حال به گفته تاریخ‌نویسان دوره ۴۲۵ ساله ساسانیان بعد از دوره هخامنشی یکی از درخشان‌ترین دوره‌های تاریخی ایران می‌باشد.

زنده‌یاد علی سامی در کتاب پارچه‌های زمان ساسانی می‌نویسد «بافتن پارچه‌های پشمی و ابریشمی و صدور کالاها و فرآورده‌های حوزه پهناور ساسانی به سایر کشورهای شرق و غرب پس از بسط امور کشاورزی از اهم کارهای تجاری و اقتصادی در دوره ساسانی بوده است به ویژه آن که ایران علاوه بر مصنوعات تولیدی قابل ملاحظه خود، واسطه رساندین مصنوع و کالاهای شرق و غرب آسیا نیز بوده و از این لحاظ موقعیت خاص و ممتازی داشته است و مصرف ابریشم ممالک امپراتوری روم از ایران تأمین می‌شد.»

آمیانتوس مارسلینوس می‌نویسد «در قرن چهارم میلادی مردم روم، لباس ایرانی ابریشمی می‌پوشیدند و تمام ابریشم‌های مصرفی روم از ایران به آن کشور صادر می‌شد زیرا ابریشم چین و هند در انحصار ایران قرار داشت.»

برحسب نوشته مورخان، منسوجات بافت ایران در قرن پنجم میلادی به تمام غرب زمین تا گل می‌رفته است. بیش از ۶۰ قطعه نمونه پارچه‌های ساسانی در موزه‌های دنیا وجود دارد که معرف ترقی این صنعت در آن دوره و برای متخصصین فن راهنمای خوبی است.



تصویر شماره ۱۰. رب النوع آناهیتا

زنده‌یاد علی سامی در کتاب تمدن ساسانی به تفصیل درباره هنر و صنایع این دوره بحث کرده است. وی در پایان مقدمه کتاب خود می‌نویسد «نمایاندن فرهنگ کهن و ریشه‌دار ساسانی از لحاظ محدود بودن مدارک و منابع همان دشواری نمایاندن تمدن هخامنشی را دارد، خاصه آن که پژوهندگانی که این راه را پوییده‌اند نیز محدود بوده‌اند و پژوهندگان بیگانه نیز با همه تلاش و کوشش گاهی به روح حقیقی این فرهنگ و تمدن پی نبرده و پایین‌تر از آن چه بوده و سزاوار است قضاوت کرده‌اند و هنوز نتوانسته‌اند تابلو حقیقی دورنمای این فرهنگ کهنسال مشرق زمینی را با نمایاندن همه جزئیات و دقایق ترسیم کنند.

هر قدر زمان بیشتر بگذرد و دامنه اکتشافات مبسوط‌تر شود و تحقیقات جلوتر رود، ارزش و تابندگی تمدن ایران در زمان ساسانی بهتر نمودار خواهد شد. اثرات این هنر و دانش پانزده قرن است که چون آفتابی درخشان بر تارک قسمت مهمی از قاره عظیم آسیا تا کرانه‌های مدیترانه و دریای هند تابان و نافذ است.

ارزش و اهمیت این امپراتوری نه تنها در این دوره و زمانه مشهود شده است، بلکه تاریخ‌نویسان و محققان اسلامی و محققان قدیم نیز کم و بیش با احترام و ستایش، یادی از آن کرده‌اند که در جای خود، هر جا مناسبیت پیدا کرده در بین مطالب ذکر شده است. پروفیسور پوپ معتقد است که حکومت چهارصد و بیست و پنج ساله ساسانیان (۶۵۲ میلادی) بعد از شاهنشاهی هخامنشی یکی از درخشان‌ترین دوره‌های تاریخی ایران است، زیرا این دودمان که خود را زاده خدایان و منسوب به شاهان



تصویر شماره ۸. پیروزی شاپور اول بر والریانوس

از کلاه و کمرش آویزان است.

در تصویر شماره ۹، ملکه از نقش برجسته مشاهده می‌شود. منظور ما در این مقاله فقط ذکر جزئیات لباس پادشاهان ساسانی نیست و لازم است در جست‌وجوی شکل لباس افراد دیگری غیر از شاه برآمد و این امر نیز میسر است.

در تصویر شماره ۱۰، رب النوع آناهیتا در نقش رجب دیده می‌شود. این نقش قابل مقایسه با دو نقش ملکه است. گیسوان، کلاه، گردن و پیراهن او کاملاً با ملکه نامبرده شباهت دارد. تصویر ملکه نیازی به تشریح ندارد. لباس او بسیار نازک و چسبان است. گردن‌بند درستی بر گردن و گیسوان بلندی دارد از پشت کلاهش پارچه لطیفی آویزان است.

به هر حال صنعت دوره ساسانی در ایران به اندازه‌ای برومند بود که قرن‌ها در دوره اسلامی مورد توجه قرار داشت به این ترتیب که نقش‌ها و تصاویر آن زمان در بافندگی، فلزسازی، گچ‌بری، کاشی‌سازی، نقاشی و تذهیب و... به کار برده‌اند.



تصویر شماره ۹. ملکه